۴۹ مناسک حج
ح شیخ محمد باقر



مناسك حج از تصنيفات [?] مدار مقتدی الانام آقای حاجی شیخ محمد باقر مد ظله

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین وبعد این مختصریست در واجبات حج تمتع وحج تمتع مرکب است از عمره وحج پس در اینجا دو مقصد است مقصد اول در افعال عمره است وآن چهار فعل است اول احرام است و موضع احرام از برای کسانیکه از طرف عراق میروند وادی عقیق است وکسانی که از سمت یمن میروند میقات کاه یلملم با امکان در صورتیکه خود یلملم ممکن

نباشد

باشد در محاذی آن محرم میشود وکسانیکه از مدینه میروند مسجد شجره میباشد میقات ایشان هر موضعی از آن که بوده باشد احوط عدم تاخیر است تا ابتدای عراق وکیفیت آن اینست که قصد نماید که احرام عمره حج تمتع واجب بعمل میآورم قربة الی الله تع وحرام میشود باحرام اموری چند اول صید کردن از بیابان دوم بکار بردن بوی خوش سیم سیاه کردن لباس وآنچه بوی خوش دارد چهارم نظر کردن در آینه پنجم انگشتر بدست کردن بجهة زینت نه بجهة استحباب ششم خضاب کردن هفتم زینت کردن بزیورها هشتم مجامعت کردن

لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

وهر که از غرق شدن
والموصی برسد بخوانم ان ولیی الله
الذی نزل الکتاب وهو یتولی
الصالحین وما قدروا الله
حق قدره

نهم استمتاع مرد از زن یا زن از مرد
اگرچه بتقبیل و لمس و نظر بوده باشد
یعنی بشهوت ایشان بامور مسطوره
نماید دهم عقد بستن فیما بین مرد
و زن بلکه هم چنین است توکیل در آن
وحضور در مجلس عقد و شاهد شدن
بر آن وجایز است خریدن جواری
برای محرم اگرچه مقصود وطی باشد
یازدهم پوشیدن آنچه ساق داشته
باشد حتی برزنان علی الاحوط دوازدهم
فسوق که عبارت از دروغ و فحش و
مفاخرت کردن باشد سیزدهم جدال
که عبارت از گفتن لا والله و بلی والله
باشد یعنی قسم خوردن چهاردهم ازاله
کردن

کردن موی از بدن اگرچه بشانه کردن
باشد پانزدهم ناخن گرفتن و شکستن
ناخن باختیار و هرگاه خود شکسته باشد
جایز است چیدن آن واحوط آنست
که کفاره بدهد شانزدهم سلاح پوشیدن
هفدهم بوی ریاحین وآن چیزی است
که بجهت بوی کردن میکارند و گلهائیکه
بوی خوش دارد بو اما آنچه در صحرا
میروید از نباتات عیبی ندارد هجدهم
کشتن شپش یا کیک و مانند آن اخفش انداختن آنها
از بدن و تحویل آنها از محلی بمحلی دیگر
عیب ندارد نوزدهم اخراج خون از
بدن خواه بفصد باشد یا بحجامت اگر
چه بخارانیدن باشد بلکه خون بیرون

آید و هم چنین است مبالغه در سواک
بحدّ مزبور و هرگاه دمّلی داشته باشد
و زمان انفجار آن رسیده باشد جائز است
فشردن آن اگرچه خون بیرون آید و
هم چنین کندن دندان هرگاه ضرور
شود و الّا فلا بیست و نهم استمنا است یعنی
طلب خروج منی نماید هر قسم که باشد
و ممکن است امر هشتم را داخل در این
امر بدانیم لکن بجهة ضبط عدد احتیاطا
منفرد نموده شد و امّا قطع اشجار و
نباتات بیابانی حرم اگرچه حرام است
بر محرم لکن اختصاصی به محرم دارد
بلکه از خصایص حرم است بیست و یکم
پوشانیدن سر است و آن بر مرد در

حال احرام حرام است و بودن واجب است
بیست و دوم سایه داشتن است بر سر در
هنگام سیر و رفتن نه در وقت نزول
و این هم مختص برجال است بیست و سیم
پوشیدن چیزیست که دوخته باشد
مانند قبا و الخالق و زیر جامه و کلاه
مگر همیان طعام و زاد و کمربند و کیسه
پول که جائز است با خود نگاه داشتن
و امّا کیفیت احرام است که بکند جامهای
دوخته خود را پس قصد کند که احرام
واجب بعمل میاورم و حرام میکنم بر خود
امور مذکوره را پس بپوشد لنگی که
ساتر او باشد از ناف تا زانو و احوط
پوشیدن این دو جامه است پیش از

در وقت نیت کردن [illegible]

نیست تلبیه و هرگاه خواهد گره زند مانع
ندارد و هرگاه بالای ناف به بندد
و از زانو بگذرد نیز مانعی ندارد و بلکه
بهتر است پس ببندد از دیگر دوش خود
ردائی و باید مرد و پاک باشد و حریر
نباشد و همچنین است ارفیته(?) و غیر
ماکول اللحم و مغصوب نباشد و چیزی
باشد که نماز در آن صحیح باشد و معتبر است
در ازار که ساتر باشد بلکه در رداء
نیز علی الاحوط و نیز احوط آنست که
بافته باشد مانند پوست و نمد نباشد
و طلاباف نباشد و چیزی نماز با او صحیح
نیست از غصب و غیر غصب که نماز با او
جایز نیست نباشد و احوط آنستکه از پنبه

دیگر

و سفید محض باشد و مستحب است که
از پنبه باشد و سفید باشد و اگر یمنی
باشد بهتر است و بعد چهار تلبیه بگوید
باین لفظ که لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ و احوط آنستکه زیاد
کند بر آن اِنَّ الحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالمُلْکَ
لا شَرِیکَ لَکَ و احوط این است که
یکدفعه دیگر این قسم بگوید لَبَّیْکَ
اللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ ۲ اِنَّ الحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ
۲ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ
لَکَ وَالمُلْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ و
مستحب است که تلبیه را مکرر بگوید تا وقتی
که ملاحظه خانه های مکه را بنماید آن
وقت لازم است قطع تلبیه را نماید و
مستحب است که اول بدن را از همه چرک

ومو پاک کند و ناخنها را بگیرد پس از آن
غسل کند و هنگام غسل بگوید بسم الله
وبالله اللهم اجعله لی نورا وطهورا
وحرزا وامنا من کل خوف وشفاء من
کل داء وسقم اللهم طهرنی وطهر
لی قلبی واشرح لی صدری واجر علی
لسانی محبتک ومدحتک والثناء
علیک فانه لا قوة لی الا بک قد علمت
ان قوام دینی التسلیم لامرک والاتباع
لسنة نبیک صلواتک علیه وآله وترک
کند بعد از غسل آنچه بر محرم حرام است
پس بپوشد جامه احرام را دوم از
افعال واجبه عمره طواف است بدانکه
چون محرم خانه های مکه را دید

قطع

و اگر غسل ممکن نباشد تیمم بدل از غسل [illegible]

قطع تلبیه میکند و چون خواهد که داخل
مکه شود مستحب است غسل کند
و اگر ممکن نشد در خوانه که منزل
میکند غسل کند و مستحب است که هنگام
دخول پیاده شود و پابرهنه داخل شود
و نعلین را بدست بگیرد و قدری از اذخر
بعد از دخول مکه بخاید و هرگاه خواهد
که داخل مسجد الحرام شود باز مستحب است
غسل نماید اگر غسل ممکن نباشد تیمم
بدل از آن وجهی دارد نماید و در مسجد
بایستد و این دعا بخواند السلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
بسم الله وبالله ومن الله وما
شاء الله والسلام علی انبیاء الله

وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ
وَالسَّلَامُ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ و با ارامی و خضوع و
سکون و وقار داخل مسجد الحرام شود
پس بایستد و بخواند دعای ماثور را
واما واجب طواف پس نیت کند که
طواف واجب عمره را بعمل میاورم قربة
الی الله تعالی و این نیت را هنگام محاذات
ومقابله یسار بدن خود باول حجر الاسود
نماید و دقت در این باب لازم نیست
همین قدر که طرف چپ او مقابل حجر
الاسود است عرفا کافیست پس از همان
موضع طواف کند و دور خانه کعبه
بگردد بنوعیکه حجر اسمعیل داخل در

ابر

طواف باشد تا هفت مرتبه باید در تمام
احوال باید طرف چپ ایشان سمت
خانه باشد و طواف مابین مقام ابرهیم
وخانه زیاده نباشد در صورتیکه
خارج از این حد شود طواف باطل است
وهمچنین در حجر یا شاذروان بعضی
از اعضای ان در حال طواف واقع
شود باطل است باید ملاحظه سه
فقره را در حال طواف نماید پس ختم
کند شوط هفتم را بمنتهای حجر الاسود
پس برود در مقام ابرهیم انجا دو رکعت
نماز کند و هر گاه کثرت است در عقب
مقام هر جا که نزدیکتر بمقام باشد نماز
کند و شرط است در طواف طهارت

بدن از حدث و خبث و پاک بودن لباس
و این که فاصله میان هفت شوط طواف
نبوده باشد و مستحب است که چون
داخل مسجد الحرام شد از باب بنی شیبه
داخل شود و مبادرت بطواف کند و چون
نزدیک حجر الاسود شد بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ
لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَکْبَرُ
مِنْ خَلْقِهِ وَاَکْبَرُ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ
الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ
وَیُحْیِی بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
پس صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد و

سلام

سلام کند بر انبیا و بزرگوار و بر سایر انبیا
و مرسلین و هرگاه اکتفا کند در عوض
آنچه ذکر شد بر تکبیر و صلوات و سلام
بر محمد و آلش هم خوبست پس برود
رو به حجر الاسود و ببوسد آن را و
صورتش را بر آن بمالد و اگر ممکن نشد
دست خود را بمالد و دست را ببوسد
و اگر این هم ممکن نشد اشاره کند
بحجر بدست خود و بگوید در آن حالت
بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اَمَانَتِی
اَدَّیْتُهَا وَمِیثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ
لِی عِنْدَکَ بِالْمُوَافَاةِ و در هر شوط
که دور میزند این عمل را بنماید مگر
دعا که در مرتبه اولی است و هرگاه

مشکل است در مرتبه اولی و اخیره چنین
کند و هم چنین است تقبیل رکن یمانی
را و آن رکنیست که محاذی رکن حجر
الاسود است و در آن موضع مستحب
است دعا بر خود و پدر و مادر و هر
که را که خواهد بهر زبان که باشد
و هرگاه در عدد اشواط شک کند
بنا را بر اقل گذارد سیوم از افعال سعی
عمره سعی است چون فارغ از نماز
طواف شد برود در دو بصفا و از اول
صفا نیت کند که سعی واجب میکنم
قربة الی الله تعم و از آنجا برود بمروه و
برگردد بصفا تا هفت مرتبه باین نوع
که رفتن را یکمرتبه قرار دهد و برگشتن
را

را یکمرتبه و در وقت برگشتن از صفا
بمروه و از مروه بصفا پاهای خود را
متصل کند بآن دو موضع اگر بالای
صفا و مروه نرود و اگر بالای آن برود
لازم نیست و در حدیث است که طول
دادن در صفا و مروه سبب زیادتی
غنای او میشود انشاء الله تعالی
و مستحب است که با طهارت باشد در حال
سعی و بالا رود بر صفا بنوعیکه خانه را
به بیند پس بقدر آنکه معتد به باشد
بایستد و حمد و ثنای الهی کند و متذکر
نعمتهای خداوند شود و تکبیر و تحمید
و تهلیل الهی گوید و بهتر آنست که سه
مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا

شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو علی کل شیء قدیر وصلوات
بر محمد وآلش فرستند و با رامی برود
تا مناره اولی و از آنجا بنوع هروله
تا مناره ثانیه و از آنجا نیز با رامی برود
تا مروه و در حال هروله مستحب است
بگوید بسم الله والله اکبر وصلی الله
علی محمد وعلی اهل بیته اللهم اغفر
وارحم وتجاوز عما تعلم وانت الاعز
الاکرم و هرگاه در میانه این هفت
مرتبه خسته شود جایز است بنشیند
وجایز است در ضبط عدد مذکوره
اعتماد بر دیگری ولازم نیست که
متصل بطواف سعی نماید بلکه جایز است

در تقصیر

تاخیر تا شب **چهارم** از افعال عمره تقصیر است
یعنی کم کند قدری از موی خود را
یا ناخن خود را اگر چه موی بعض بدن
باشد بنوره کشیدن یا ناخن پا باشد
و بهتر است که موی بالای پیشانی را
بتراشد و تراشیدن کفایت نمیکند بلکه
حرام است و باین فعل تمام میشود افعال
عمره و نیت کند که تقصیر میکنم جهت محل
شدن از عمره تمتع و جایز است بعد از
تقصیر جامه خود را پوشیدن ولباس
احرام را بیرون کردن لکن مستحب است
که بصورت محرمین باشد **مقصد دوم**
در افعال حج است و آن ده فعل است
اول احرام و احرام حج مثل احرام

عمره است و موضع احرام مکه است هر
موضعیکه از مکه بوده باشد جایز است
احرام در آن و بهتر آنست که در مسجد
الحرام بوده باشد و بهتر آنست که در
حجر حضرت اسمعیل یا خلف مقام
باشد در خلف مقام ابرهیم باشد
و وقت این احرام بعد از فراغ از عمره است
تا وقتی که تنگ شود زمان وقوف
در عرفات و افضل این است که روز
ترویه بوده باشد و افضل آن است
که وقت زوال احرام به بندد و بر اینوجه
که قصد احرام نماید و بپوشد جامه احرام
را هرگاه نزع کرده باشد از خود و الا
تجدید لبس نماید بعد از نزع و آنچه در

حکم نوع است و تلبیه بگوید مانند تلبیه
احرام عمره پس برود در منی و هنگام
رفتن مستحب است این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِیّاکَ اَرْجُوا وَاِیّاکَ اَدْعُوا
فَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاَصْلِحْ لِی عَمَلِی پس چون
رسید بمنی مستحب است این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ مِنیٰ وَهِیَ مَا مَنَنْتَ بِهِ
عَلَیْنَا مِنَ الْمَنَاسِکِ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَمُنَّ
عَلَیَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلیٰ اَنْبِیَائِکَ فَاِنَّمَا
اَنَا عَبْدُکَ وَفِی قَبْضَتِکَ و مستحب است
اینکه بیتوته نماید در منی یعنی شب در
منی بماند تا طلوع فجر یوم عرفه و نماز
صبح کردن در آنجا بلکه تا طلوع شمس
خصوصا در حق امام خصوصا در

وادی محسّر پس رود بجانب عرفات
ومستحبّ است اینکه در هنگام توجّه
بجانب عرفات بخواند این دعارا اَللّٰهُمَّ
اِلَیْکَ صَمَدْتُ وَاِیّاکَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَکَ
اَرَدْتُ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُبارِکَ لی فی رِحْلَتی
وَاَنْ تَقْضِیَ حاجَتی وَاَنْ تَجْعَلَنِی الْیَوْمَ
مِمَّنْ تُباهی بِهِ مَنْ هُوَ اَفْضَلُ مِنّی و
مستحبّ است تجدید تلبیه بعد از دعاء
مذکور هنگام سیر بعرفات دوّم
از افعال حجّ وقوف بعرفات است و
وقت آن بعد از زوال یوم عرفه است
تا غروب آفتاب وواجب آن دو امر است
اوّل نیّت که وقوف در عرفات
مینمایم از برای حجّ تمتّع که بر من واجب

شده

لعرفات

شده است از زوال تا غروب آفتاب
قربةً الی الله تع دوّم ماندن در آن
موضع اگر چه دعائی نخواند چه بنشیند
وچه بخوابد ومستحبّ مؤکّد است که
مشغول دعا شود ودعا کند جهت
خود وپدر ومادر وسایر مؤمنین
ومؤمنات سیّوم از افعال حجّ وقوف
بمشعر است ووقت آن بعد از طلوع
فجر است تا طلوع آفتاب واحوط آن
است که شب را نیز داخل در قصد
نماید بلکه تجدید قصد نماید بعد
از طلوع فجر وهرگاه قبل از طلوع
شمس رود جایز است بلکه بهتر است
در حقّ عامه مردم ماعدای امام

لمشعر

لکن نکذرد از وادی محسر الا بعد از
طلوع شمس و واجب آن نیت است و آن
قصد وقوف بمشعر است واجب قربة الی الله
وماندن در آنجا تا طلوع شمس چهارم
از افعال حج رمی جمره عقبه است در منی
و واجب آن نیت رمی است یعنی انداختن
هفت سنک بجانب جمره عقبه بنوعیکه
برسد بجمره مذکوره کذاردن و هفت
سنک را بیکدفعه انداختن کفایت نمیکند
و سنک ریزها باید از حرم باشد و وقت
آن از طلوع شمس روز عید است تا
غروب و مستحب است که سنک ریزها را
از مشعر برداشته باشد و در وقت
انداختن پیاده و با طهارت باشد

ومستحب است در حالتیکه سنک ریزها
بدست او است بکوید اللّهمّ انّ هؤلاء
حصیاتی فاحصهنّ لی وارفعهنّ فی
عملی و بکوید در حال انداختن الله
اکبر اللّهمّ ادحر عنّی الشّیطان اللّهمّ
تصدیقاً بکتابک وعلی سنّة نبیّک
صلّی الله علیه وآله اللّهمّ اجعله لی
حجّاً مبروراً وعملاً مقبولاً وسعیاً مشکوراً
وذنباً مغفوراً و مکروه است ایستادن
نزد جمره بعد از رمی و چون بمنزل
رسید مستحب است بکوید اللّهمّ بک
وثقت وعلیک توکّلت فنعم الرّبّ
ونعم المولی ونعم النّصیر پنجم از افعال
حج قربانی کردن است و وقت آن

روز عید است بعد از رمی و نیتش
اینست که قربانی میکنم واجب قربة
الی الله تع و شرایط قربانی که صحیح
الاعضا و چاق باشد و شرایط دیگر
که معروف شده است و دعایش بخوبیست
که در مناسکهای مطوله مسطور است
ششم از افعال حج حلق و تقصیر است حلق
یعنی واجب است بعد از قربانی کردن
سر خود را بتراشد یا قدری از موی
سر خود را کم کند لکن حلق افضل است
بلکه احوط است در حق تازه حج و نیت
کند که سر میتراشم یا ناخن میگیرم در
فرض حج تمتع قربة الی الله و کسی که بر
سر خود صمغ و عسل مالیده باشد بجهة

منع از شپش و مستحب است که موی سر را
در منی دفن کند و مستحب است که ناخن
خود را در این مکان بگیرد و چون حلق
یا تقصیر نمود حلال میشود بر محرم
محرمات احرام ما عدای طیب که بوی
خوش باشد و نساء بلکه صید و چون
طواف زیارت نمود حلال میشود بر
او زنان هفتم از افعال حج طواف
زیارتست و وقت آن روز عید است
و روز بعد از عید هم محتمل است وقت
آن نیز بوده باشد بعد از اعمال مذکوره
در منی و واجب آن اینست که برگردد
بمکه و برود در مسجد الحرام و نیت
کند که طواف زیارت میکنم واجب

قربة الی الله تعالی پس طواف کند دور
کعبه هفت مرتبه و ابتدا کند از حجر
الاسود چنانچه گذشت و ختم کند
بان و دو رکعت نماز خلف مقام ابراهیم
بعمل اورد و شرط است در طواف طهارت
از حدث و خبث و مستحب است قبل از
دخول بمکه غسل و مستحب است انکه
بایستد در مسجد الحرام و دعای ماثور را
بخواند هشتم از افعال حج سعی بین سعی
الصفا والمروه است و کلام در کیفیت
ان گذشت نهم از افعال حج طواف طواف نساء
نساء است و این واجب است بر مرد و زن
و کیفیت ان همان است که در طواف
عمره و حج گذشت حتی دو رکعت نماز

وبعد ازان

و بعد ازان خلف مقام و بعد ازاین
طواف سعی واجب نیست دهم از در بیتوته
افعال حج بیتوته است و شب بروز
اوردن است در شب یازدهم و دوازدهم
بلکه سیزدهم هم برای کسی که بعد
از ظهر روز دوازدهم کوچ نکند با مردم
و واجب نیست تمام شب بماند نصف
شب تا صبح یا بعکس خلاف احتیاط است
بلکه کفایت میکند که از نصف شب
بماند تا صبح و میتواند در یوم یازدهم
و دوازدهم بمکه مراجعت کند و برگردد
کفایت کند ماندن در ان مکان اگر
چه بخوابد و عمل مخصوصی ندارد و
واجب است در این روزها رمی جمار

ثلث نماید یعنی بیست و یک سنگ در روز
اول بسه جمره زند ابتدا کند بجمره اولی
وان جمره اینست که نزدیک است بمنی
و دور تر است بمکه و هفت سنگ بجانب
ان اندازد که براو بخورد پس برود
بجانب جمره اخیره که جمره عقبه است
ان را نیز هفت سنگ زند و هم چنین
در روز دوازدهم و هرگاه روز
دوازدهم نرفت روز سیزدهم نیز
این سه جمره را بنوع مرقوم زند و وقت
این عمل از طلوع شمس است تا غروب
افتاب مستحب است تمام کردن یک
ختم قران در مکه معظمه اولی در
مسجد الحرام بلکه در بین رکن عراقی

دعای

و بیابی هرگاه کسی بخواند سید عالم را
در خواب به بیند و جای خود را در
بهشت با و بنماید
التماس دعا
دارم
تمت

مقابله شد




کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

